

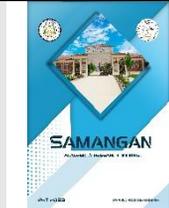


Samangan Scientific and Research Journal

<https://researchsparker.edu.af/index.php/SARJ>

DOI: 10.64226/sarj.v2i02.72

e-ISSN:3105-1715



Factors for Honoring Humankind in the Holy Quran

Nilofar Sadri^{1,*}

¹Department of Islamic Studies, Faculty of Sharia, Balkh University

*Corresponding Author: nelofarsadri806@gmail.com

Cite this study:

Sadri, N. (2024). Factors for Honoring Humankind in the Holy Qur'an, Samangan Academic and Research Journal, 2(2), 129-140.

Keywords

Islam, humankind, principles, values, Holy Qur'an, dignity, piety.

Research

Received:

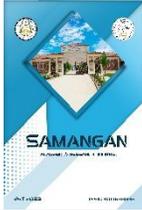
Revised:

Accepted:

Published:

Abstract

Human dignity in Islam is one of the fundamental and essential principles, which, according to the verses of the Holy Qur'an and the Sunnah of the Prophet (peace be upon him), is granted to all human beings regardless of race, gender, religion, or nationality. This principle is founded on respect for the value and status of human beings and recognizes all humans as possessing inherent rights. The factors for honoring humankind in the Holy Qur'an include vicegerency and succession, knowledge and learning, free will, superiority over other creatures, intellect, the power of expression and communication, and self-awareness. This study examines the factors that honor humankind as described in the Holy Qur'an, demonstrating that this divine religion assigns the highest values to human beings. The purpose of this paper is to elucidate the virtue and exalted status of humankind in the Qur'an and to analyze the blessed Qur'anic verses concerning human dignity. The research method is library-based, utilizing personal books and online resources to study and analyze the concept of dignity; subsequently, the relevant points and materials were collected. The findings indicate that humankind is honored because the Creator has exalted and dignified them with a special honor — a privilege unique to humans from the perspective of the Holy Qur'an, originating from the divine spirit breathed into their being, which compelled the angels to prostrate before them. The path to attaining this rank of dignity is through piety: the greater one's piety, the greater their share of divine honor. Such a person will benefit not only from heavenly rewards but also from worldly blessings and possesses such a noble essence that God has created other creatures for their sake.



مجله علمی-تحقیقی سمنگان

<https://researchsparker.edu.af/index.php/SARJ>

DOI: 10.64226/sarj.v2i02.72

e-ISSN:3105-1715



اسباب تکریم انسان در قرآن کریم

نیلوفر صدری^{*۱}

ادبیارتمنت تعلیمات اسلامی پوهنځی شرعیات پوهنتون بلخ

*نویسنده مسؤول: nelofarsadri806@gmail.com

صدری، ن. (۱۴۰۳). اسباب تکریم انسان در قرآن کریم، ۲(۲)، ۱۲۹-۱۴۰.

مرجع‌دهی:

چکیده

کرامت انسانی در اسلام یکی از اصول بنیادین و اساسی است که بر مبنای آیات قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم به انسان‌ها بدون توجه به نژاد، جنسیت، دین و ملیت اعطا شده است. این اصل بر مبنای احترام به ارزش و مقام انسان‌ها استوار است و تمام انسان‌ها را دارای حقوق ذاتی می‌داند. اسباب کرامت انسان در قرآن کریم شامل خلافت و جانشینی، علم و دانش، اراده، برتری بر سایر موجودات، عقل، قوه افاده و بیان و خودشناسی می‌باشد. در این تحقیق عوامل تکریم انسان در قرآن کریم بررسی شده تا ثابت شود که این دین الهی برترین ارزش‌ها را برای انسان قائل می‌باشد. هدف تحقیق در این مقاله بیان فضیلت و جایگاه والای انسان در قرآن و تحلیل و بررسی آیات مبارکه قرآن کریم در مورد کرامت انسان می‌باشد. روش تحقیق کتابخانه‌یی بوده با استفاده از کتاب‌های شخصی و سایت‌های اینترنتی به مطالعه و تحلیل موضوع کرامت پرداخته شده و سپس موارد مطالب مورد بحث جمع‌آوری گردیده است. نتیجه به دست آمده حاکی از آن است که انسان از آن جهت کریم است که پروردگارش او را بزرگ داشته و تکریم خاص کرده است، موهبتی که از دیدگاه قرآن کریم مخصوص آدمی است و سرمنشأ آن روح الهی دمیده شده در کالبد او است که ملائک را به سجده او وامی‌دارد. راه رسیدن به مقام کرامت در این مسیر تقوا است، کسی که تقوایش بیشتر باشد به همان اندازه از کرامت الهی بیشتری بهره‌مند می‌شود، علاوه بر پاداش اخروی از پاداش دنیوی نیز برخوردار خواهد شد و از چنان گوهر و وجودی برخوردار است که خداوند، دیگر موجودات جهان آفرینش را برای او خلق کرده است.

کلمات کلیدی

اسلام، انسان، اصول، ارزش، قرآن کریم، تکریم، تقوا.

مقدمه

انسان به عنوان اشرف مخلوقات، جایگاه خاصی در جهان دارد. تعیین مقام و منزلت انسان در نظام هستی، موضوع مهمی است که شایسته توجه است. زمانی که از جایگاه و منزلت آدمی سخن می‌گوییم، تعیین میزان قابلیت‌های مادی، فیزیکی، اقتدار و بهره‌مندی انسان در مقایسه با دیگر حیوانات و موجودات نیست، بلکه مقصود از تعیین منزلت و ارزش انسان، قضاوت در باره ارزش‌های معنوی و اخلاقی اوست. قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب الهی نازل شده برای انسان‌ها، جامع همه علوم، معارف و حکمت‌هایی است که برای هدایت انسان به سوی سعادت حقیقی‌اش لازم است. کرامت در لغت مصدر بوده و به معنی بزرگی و ورزیدن، جوانمرد بودن، ارجمندی می‌باشد.^۱ همچنان به معنی امرخارق العاده‌ای است که از اولیا سربزند، و به معنی شرف، بلندی قدر و مرتبه، اعتبار، هیبت، بخشندگی، کرم، نیز آمده است.^۲ آیات متعدد قرآن کریم به کرامت انسان اشاره دارد. کرامت و شرافت در ذات هر انسانی نهفته است و اختصاص به افراد خاص ندارد. در آیات مبارکه قرآن کریم، خداوند (ج) به روشنی از مراحل شکل‌گیری انسان، از جمله آفرینش از خاک، دمیدن روح و دادن عقل و اختیار سخن می‌گوید، این عوامل نه تنها به تکوین جسمانی انسان اشاره دارند بلکه به جنبه‌های معنوی و روحانی نیز پرداخته‌اند. قرآن کریم انسان را موجودی مختار و دارای ظرفیت‌های الهی معرفی می‌کند که می‌تواند در مسیر رشد و کمال قرار گیرد. کرامت انسانی، نه تنها به منزله یک حق یا مجموعه‌ای از حقوق غیرقابل سلب و انتقال است، بلکه محور و مبنای حقوق بشر تلقی می‌شود. در این مقاله اشاره به این مطلب شده که چی عواملی باعث تکریم انسان در قرآن کریم شده است؟ و آیا این تکریم اختصاص به مسلمانان دارد یا به تمام انسانها تعلق می‌گیرد؟ در بیان اهمیت تحقیق همین بس که خداوند متعال وحی آسمانی را با وصف کرامت بر پیامبر صلی الله علیه و سلم آغاز کرد و انسان را با خصیصه تکریم ستود. تحقیق در این زمینه می‌تواند به تبیین دقیق‌تر معنای کرامت انسانی و چگونگی حفظ آن در جوامع اسلامی کمک کند.

مواد و روش تحقیق

از اینکه روش تحقیق این مقاله کتابخانه‌یی است نخست کتابهای متعلق به موضوع مانند تفسیر فی الضلال القرآن از سید قطب، تفسیر معارف القرآن، صفوة التفاسیر، تفسیر ازهرالبیان، کتاب ویژگی‌های کلی اسلام، جایگاه انسان و فلسفه آفرینش از نویسنده محترم یوسف قرضاوی، کتاب والاترین بندگان از مکارم شیرازی، کتاب عدالت اجتماعی در قرآن، قرآن منشور زندگی، معارف الحدیث و غیره کتبی که در فهرست مأخذ تذکر یافته و برای نمونه تعدادی از این منابع نام برده شد، مطالعه و بعداً مطالب مورد نظر و دیدگاه‌های که ارتباط به موضوع تحقیق دارد جمع‌آوری شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

- عمید، حسن . (۱۳۶۹) . فرهنگ عمید . تهران مؤسسه انتشارات امیرکبیر. ص ۱۰۰۲

1

- قیم، عبدالنبی . (۱۳۸۸) . فرهنگ معاصر عربی - فارسی . تهران مؤسسه فرهنگ معاصر. ص ۸۵۳

2-

کرامت محور تعلیم و تربیت الهی : قرآن کریم برای اینکه انسان قدر و منزلت خود را بیابد و گوهر گرانبه‌های خویش را رایگان از دست ندهد، در زمینه تعلیم و تربیت او را به اصل «کرامت» توجه داده و می‌فرماید: (اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ)^۳ ترجمه: بخوان و پروردگارتو کریمترین است . خداوند (ج) قرآن مجید را که کتاب تعلیم و تربیت است با وصف کریم ستوده و فرموده است: (إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ)^۴ ترجمه: این قرآن کتابی بس گرانبه و گرامی است . همچنان پیامبر صلی الله علیه و سلم را که مسؤولیت تعلیم و تربیت امت را برعهده دارد، کریم خوانده و فرموده است: (إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ)^۵ ترجمه: این قرآن کلام رسول بزرگواری است.^۶ همچنین فرشتگانی که کتابهای آسمانی را نازل می‌کنند، با کرامت دانسته و فرموده است: (كِرَامٍ بَرَرَةٍ)^۷ ترجمه: بزرگواران نیکوکار.

خداوند در دستگاه آفرینش امتیازات مخصوصی را به انسان بخشیده است، برای او کرامت و منزلت و شرافت قایل است، انسان را برای خود آفریده و تمام اجزای هستی را در اختیار او قرار داده است، بین خود و انسان معرفت و محبت و نزدیکی و کرامتی اختصاص داده که جز انسان هیچ موجودی از آن برخوردار نیست.^۸

بنابراین، انسانی که خدایش «اکرم»، پیامبرش «کریم»، قرآنش «کریم» و کارگزاران جهانی که در آن زندگی می‌کند «کرام» اند، زبینه نیست کریم نباشد و راه کرامت و بزرگواری را نپوید. از این رو، همه برنامه‌های دین مقدس اسلام که برای تکامل و سعادت انسان آمده است، بر محور کرامت انسان می‌چرخد.^۹

انسان از دیدگاه قرآن : از دیدگاه قرآن انسان اصولاً به طور کلی، دارای یک کرامت و عزت خاصی است که پذیرای خواری و ذلت نیست، (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا)^{۱۰} ترجمه: و همانا فرزندان آدم را کرامت دادیم و در خشکی و دریاحملشان کردیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری شان دادیم، برتری کامل .

-علق: ۳۳

- واقعه: ۷۷^۴

- الحاقه: ۴۰۵

4- الهامی نیا، علی . (۱۳۷۶). تعلیم و تربیت در اسلام. ناشر: قم اداره آموزش های عقیدتی. ص ۷۶ .

7- عبس: ۱۶

-قرضاوی، یوسف. (۱۳۸۱). جایگاه انسان و فلسفه آفرینش . مترجم: عمرقادی . ناشر: تهران ،

8 احسان . ص ۱۴

برتری آنها از نظر جنس است، نه از نظر شخصیتی و یا نژادی و قبیله‌ی، بنابراین کرامت و عزت برای همه به طور تساوی مطلق ثابت است. همه آنان فرزندان آدم (ع) اند و وقتی آدم از خاک آفریده شده و به آدم کرامت داده شده است، فرزندان هم همه در این جهت مساوی اند. برای همه مردم موقعیت و عزت ذاتیشان که نباید مورد عیب و تمسخر واقع شود ثابت است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ بئسَ الاسمُ الفسوقُ بعدَ الإيمانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ)^{۱۱}

ترجمه: ای مؤمنین گروهی گروه دیگر را تمسخر نکنند که شاید آن گروه از آنان بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را که شاید آنان بهتر از ایشان باشند و عیب خود مکنید و بالقباب بد مکنید که عصیان کردن از پس ایمان نشانه بدی است و کسانی که توبه نکنند ستمگران اند.

اسلام این چنین هر گوشه از جوانب حیات وجدانی و اجتماعی مردم را بررسی می نماید تا بر معنای مساوات بخوبی تأکید کند و همان طور که گفتیم پس از اینکه مساوات ظاهری و باطنی را با آزادی کامل روحی از همه ارزشهای مادی و همه متفرعات آن و همه مشکلات تحقق بخشید، دیگر محتاج این نبود که به لفظ و صورت، از مساوات سخنی بگوید ولی در عین حال تحریص شدیدی بر مساوات میکند و می خواهد که آن به شکل یک انسانیت کامل غیر محدود به نژاد و قبیله و خانه و مرکزی خاص بوده، از دایره اقتصاد محض (آنجا که مذاهب مادی غرب ایستاده اند) فراتر رفته و بسیار بلند تر باشد.^{۱۲} خداوند با اعطای عقل، علم، قدرت بیان و تسخیر کردن تمام آنچه در عالم هستی وجود داد، نسل و اولاد آدم را بر جمیع مخلوقات برتری داده است و آنان را کرامت و شرافت بخشیده است.^{۱۳} (عن ابی ذر ان رسول الله صلی الله علیه وسلم : قال له انک لست بخیر من احمر ولا اسود الا ان تفضله بتقوی) (رواه احمد)

ترجمه: از حضرت ابوذر غفاری روایت است که رسول اکرم به او فرمودند: تو از هیچ سیاه و سرخی بهتر نیستی مگر اینکه باخوف خدا و تقوا، از او برتر باشی.

مقصود اینکه مال و ثروت، شکل و صورت، رنگ و نسب، ملیت و زبان هریک از اینها وسیله برتری گروهی بر گروهی دیگر نیست.^{۱۴} از نظر قرآن انسان موجودی است که توانایی دارد هم جهان را مسخر خویش سازد و فرشتگان را به خدمت خویش بگمارد، و هم میتواند به اسفل سافلین سقوط کند. این خود انسان است که باید درباره خود تصمیم بگیرد و سرنوشت نهایی خویش را تعیین نماید.^{۱۵}

- حجرات : ۱۱۱۱

- قطب، محمد. (۱۳۷۹). عدالت اجتماعی در اسلام. مترجم: محمد علی گرامی. ناشر: تهران مؤسسه سوره.

ص ۱۰۳۱۲

- صابونی، محمد علی. (۱۳۸۲). صفوه التفاسیر. ج ۲. مترجم: محمد گل گمشاد زهی. ناشر: تهران احسان. ص

۶۴، ۱۳

- نعمانی، محمد منظور. (۱۳۹۴). معارف الحدیث. ج ۲. منبع: کتابخانه اقرء. ص ۲۹۶۱۴

- مطهری، مرتضی. (۱۴۰۲). انسان در قرآن. ناشر: تهران، صدرا. ص ۷. ۱۵

اسباب تکریم انسان در قرآن

اشرف مخلوقات: از نظر قرآن انسان موجودی است که از روح خداوند در او دمیده شده و از چنان گوهر و وجودی برخوردار است که خداوند، دیگر موجودات جهان آفرینش را برای او خلق کرده است و جهان را به گونه ای آفریده است که انسان بتواند در جهت بهره برداری خود از آن استفاده کند. سبب فضیلت و کرامت در این جهان بر دو چیز است: یکی غیراختیاری است که فقط منوط به انتخاب خداوندی است، دوم اختیاری است که از اعمال صالح و اخلاق فاضل بدست می آید.^{۱۶} قرآن کریم راجع به انسان در ده ها بلکه صدها آیه سخن گفته است، همین بس که بدانیم نخستین گروه از آیاتی که بوسیله روح الامین بر قلب مبارک پیامبر اسلام فرود آمد، مقام انسان و روابط او را با پروردگارش مطرح کرده بود: رابطه آفرینش و پذیرایی و ارج گذاری، رابطه راهنمایی و آموزش. درین آیات واژه «رب» برگزیده شده است تا تربیت و سرپرستی و بالابردن انسان را در درجات کمال از سوی خدای متعال برساند.^{۱۷} اَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ^{۱۸}

در احکام و دستاویز ارزشمند قرآن حرمت گذاشتن بردیگران، نه برای این است که آنها مرد و یا زن هستند، فرزند یا همکارند یا نسبت های دیگری دارند، بلکه برای این است که آنها انسان هستند و از این نظر در مقایسه با دیگر موجودات، جایگاه والاتری دارند. پس باید به این جایگاه توجه شود، (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ)^{۱۹}

برتری بر حیوانات: یکی از وجوه اشرافیت و کرامت انسان بر حیوان این است که ذات انسان جوهری مرکب از نفس و بدن است و چون روح او از عالم علوی است و عالم علوی از عالم سفلی اشرف و برتر است، پس نفس انسانی در عالم سفلی اشرف النفوس میباشد (به طور کلی نفس انسانی هم در عالم سفلی و هم در عالم علوی اشرف النفوس است.^{۲۰} (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ)^{۲۱}

ترجمه: هر آینه آفریدیم انسان را به نیکوترین صورت.

در این آیت مبارکه مقصود از «الانسان» جنس انسان است، و «احسن تقویم» بهترین شکل و صورت، که عبارت از اعتدال قامت و تناسب اعضاء است که در آفرینش آن کمال زیبایی و دقت به

- عثمانی، محمد شفیق. (۱۳۷۷). تفسیر معارف القرآن. ج ۱۰. مترجم: محمد یوسف حسین پور. ناشر: احمد جام. ص ۱۶، ۳۲۳

- قرضاوی، یوسف. (۱۳۹۴). نقش ایمان در زندگی. مترجم: فرزانه غفاری. ناشر: تهران، احسان. ص ۱۱۹

- علق: ۳۱۸

- مشایخی راد، شهاب الدین. (۱۳۸۸). کرامت انسانی از دیدگاه خاتم پیامبران. ناشر: قم مؤسسه طه. ص ۱۷۱۹

- ملازهی، محمد عمر. (۱۳۸۴). تفسیر تبیین الفرقان. ج ۱۶. ناشر: احمد جام. ص ۴۹، ۲۰

کارگرفته شده است. و همچنان شامل همه قوه های معنوی از قبیل نطق و بیان، عقل، ادراک علوم و حقایق، عاطفه، احساس و وجدان است.^{۲۲}

برتری بر فرشتگان: خداوند (ج) وقتی فرشتگان را خطاب میکند که اسماء اشیاء را نشان دهید، میفرماید: انبئونی (مرانشان دهید) و هنگامی که همین خطاب به آدم (ع) میشود، (قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ)^{۲۳} میفرماید: انبئهم (یعنی به آدم امر شد تا این اسماء را به فرشتگان نشان دهد) از اختلاف این طرز بیان روشن می شود که آدم بعنوان معلم و فرشتگان به عنوان شاگرد انتخاب شدند.^{۲۴} پس زمانی که ملائکه از گفتن نام مخلوقات عاجز شدند حق تعالی آدم (ع) را امر فرمود تا در حضور ملائکه نام های مخلوقات یاد شده را ذکر کند تا از این طریق کرامت و شرافت آدم ظاهر شود و بیان گردد.^{۲۵}

اینجا فضیلت و برتری آدم بخاطر این امر مهم آشکار شد و دانستیم که در علم فرشتگان هم زیادت و نقصان پیش می آید، چنانچه چیزهایی را که نمی دانستند توسط حضرت آدم از آنها اطلاع حاصل کردند.

برتری انسان بر دیگر موجودات: انسان حیوانی است که با دو امتیاز (علم و ایمان) از دیگر جانداران امتیاز یافته است.^{۲۶} انسان از نظر فطرت میان دو مرتبه اعلیٰ علیین و اسفل السافلین قرار دارد و می تواند با اراده خویش به سمت بالا، و یا با طبیعت خود به سمت پایین برود.^{۲۷} (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ)^{۲۸}

ترجمه: بی گمان گرامی ترین شما نزد الله باتقواترین شماست.

فضیلت و بزرگی انسان فقط به تقوی می باشد، نه به حسب و نسب. پس هر کس خواهان شرف دنیوی و منزلت اخروی است باید از خدا بترسد و پرهیزگار باشد.^{۲۹} خداوند متعال به اصل و نسب بندگانش یابه پست و مقام آنها و یا به مال و جمالشان نگاه نمی کند، بلکه به کردارشان می نگرد. لذا گرامی ترین مردم نزد الله، باتقواترین آنهاست و از این رو پرهیزگاران را با کرامت های ظاهری و باطنی گرامی می دارد، زیرا آنها برگزیده ترین و گرامی ترین بندگانش هستند. این تشویقی بر تقوا و پرهیزگاری است و نشان میدهد که هر چه تقوای انسان بیش تر باشد نزد خداوند گرامی تر است.^{۳۰} خداوند انسانها را برتری داده است با جانشینی در زمین و با این استعدادهایی که در سرشتشان سرشته است و این

- بدخشانی، محمد اکرام الدین. (۱۴۰۰). تفسیر از هر البیان فی التفسیر کلام الرحمن. ج ۹. ناشر: کابل، عاصم. ص

۲۲. ۴۶۹

23

- بقره: ۳۳

عثمانی، محمد شفیق. (۱۳۷۷). تفسیر معارف القرآن. ج ۱. مترجم: محمد یوسف حسین پور. ناشر: احمد جام. ص ۲۲۹

24-

- القرنی، عایض. (۱۳۹۶). تفسیر المیسر. مترجم: عبدالرؤف مخلص. منبع: کتابخانه قلم. ص ۱۸۲۵

- مطهری، مرتضی. (۱۴۰۲). انسان و ایمان. ناشر: تهران صدرا. ص ۱۲۲۶

- دینانی، غلام حسین. (۱۳۸۷). حکمت عملی. ناشر: اطلاعات. ص ۵۹۲۷

- حجرات: ۱۳۲۸

- صابونی، محمد علی. (۱۳۸۲). صفوه التفاسیر. ج ۴. مترجم: محمد طاهر حسینی. ناشر: تهران احسان. ص ۱۴۲۲۹

نوی، ابو ذکریا. (۱۳۹۴). شرح ریاض الصالحین. ج ۱. مترجم: ابراهیم کیانی. منبع: سایت عقیده. ص ۵۰۳ 30

استعدادها انسان را در میان آفریدگان کرامت بخشیده است از جمله کرامت انسان این است که سرپرست خود باشد مسؤولیت رویگرد و عملکرد خود را داشته باشد.^{۳۱}

امتیازات انسان

- ۱- انسان خلیفه خداوند در زمین است .
- ۲- ظرفیت علمی انسان بزرگترین ظرفیتهایی است که یک مخلوق ممکن است داشته باشد، خداوند تمام اسماء رابه آدم (ع) آموخت آنگاه از فرشتگان پرسید نامهای اینها را بگوئید چیست، گفتند ما جز آنچه تومستقیماً به ما آموخته ای نمی دانیم .
- ۳- انسان فطرتی خدا آشنا دارد، به خدای خویش در عمق وجدان خویش آگاهی دارد همه انکارها و تردیدها ، بیماریها و انحرافها از سرشت اصلی انسان است . (وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا) ^{۳۲}
- ترجمه : هنگامی رابه یاد بیاور که خداوند فرزندان آدم را از پشت پدرانشان بیرون آورد واز آنان بر وحدانیت خویش گواهی گرفت و یکی را بر دیگر گواه قرار داد و آنان را بر ربوبیت و وحدانیت خود گواه گرفت و بدان اعتراف کردند و تعهد سپردند.
- ۴- درسرشت انسان علاوه بر عناصر مادی که در جماد و گیاه و حیوان وجود دارد، عنصری ملکوتی و الهی وجود دارد. انسانی ترکیبی است از جسم و جان .
- ۵- انسان موجودی انتخاب شده و برگزیده است.^{۳۳}

جانشین ساختن انسان در زمین : قرآن کریم بر این مطلب فراوان تأکید می ورزد که انسان در نزد خداوند آفریده ای با کرامت و ارجمند است . خداوند با دستن خود پیکر آدم را ساخت و از روح خویش در او دمید و او را جانشین خود در زمین گردانید و به فرزندان نیز همین مسؤولیت را سپرد.^{۳۴}

اسلام ارجمندی نوع بشر را اعلام نمود، لذا وی را جانشین و خلیفه خداوند در زمین شمرد، همان منزلتی که دل از کف نوریان ربوده و شیفگی دیداران گردن فرشتگان رابه سویش افراشته بود، و آنان باخوش بینی به احراز آن امید بسته بودند، اما حسرت برخوردار شدن از آن بردل شان نشست، و خداوند مقام فرق را به انسان ارزانی داشت : (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدَّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ) ^{۳۵}

ترجمه : زمانی را (یادآوری کن) که پروردگارت به فرشتگان گفت : من در زمین جانشینی قرار میدهم، گفتند آیا در زمین کسی را قرار میدهمی که فساد میکند و تباهی راه می اندازد و خون ها

- قطب، سیدد. (۱۳۹۷). فی الضلال القرآن. ج. ۴. مترجم: مصطفی خرم دل. ناشر: تهران احسان. ص ۳۸۶ ۳۱

- اعراف : ۱۷۲۳۲

- مطهری، مرتضی. (۱۴۰۲). انسان و ایمان. ناشر: تهران صدرا. ص ۱۰ ۳۳

- قرضایی، یوسف. (۱۳۹۴). ویژگیهای کلی اسلام. مترجم: جلیل بهرامی نیا. منبع کتابخانه عقیده. ص ۱۲۰ ۳۴
- البقره : ۳۰ ۳۵

خواهد ریخت و حال آنکه ما پیوسته به حمد و ستایش و طاعت و عبادت تومشغولیم؟ گفت: من حقایقی رامیدانم که شما نمی دانید.

و این چنین خداوند انسان را با اعطای نماینده گی و مقام خلافت در زمین ارجمند ساخت و برای این امر وی را به اندیشه و دانش که از فرشتگان فراتر رفت، مجهز گردانید.^{۳۶}

آگاهی و علم: خداوند متعال بنی آدم را از جهات گوناگونی به خصوصیات آراسته است که در مخلوقات دیگر وجود ندارد مانند، حسن صورت، اعتدال جسم، اعتدال مزاج، اعتدال قد و قامت. این خصوصیات آنچنان که به انسان عنایت گردیده به حیوان دیگر داده نشده است، علاوه بر این، امتیاز ویژه عقل و شعور به او عنایت شده که به وسیله آن، از تمام کائنات علویه و سفلیه استفاده می کند و به اونیرویی موهبت فرموده است که از مخلوقات الهی چنان ترکیبات و مصنوعات می سازد که درسکونت و اقامت و نقل و حرکت و طعام و لباس اودر کارهای مختلف سودمند باشند.^{۳۷}

خودشناسی: یکی دیگر از عوامل تکریم انسان در قرآن کریم خود شناسی است، هریک از مفاسد اخلاقی ریشه هایی در درون جان انسان دارد، با خود شناسی آن ریشه ها شناخته می شود و درمان این دردهای جانکاه را آسان می سازد و به این ترتیب راه وصول به کرامت را در برابر انسان هموار می کند انسان از طریق خود شناسی به کرامت نفس و عظمت این خلقت بزرگ الهی و اهمیت روح آدمی که پرتوی از انوار الهی و نفخه ای از نفحات ربانی است پی میبرد.^{۳۸}

تفکر و بلندبیشیدن: قوه تفکر یکی دیگر از عوامل تکریم انسان است. خداوند (ج) میفرماید:
(وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ)^{۳۹}

ترجمه: و در آفرینش آسمانها و زمین تفکر می کنند. این بیانگر آن است که تفکر عبادت است و یکی از ویژگی های اولیای خدا و عارفان می باشد، پس هرگاه در آن بیندیشند در می یابند که خداوند آن را بیهوده نیافریده است.^{۴۰}

مسجود فرشتگان: داستان خلقت آدم ابوالبشر اولین مطلبی است که کرامت و عظمت انسان را ازدیدگاه اسلام روشن میکند، می دانیم که آدم از دو جزء ترکیب و خلق شده است، جزء مادی او که همان گل گندیده بی ارزش است و جزء معنوی وی که همان روح خدایی است، آری خداوند روح الهی و آسمانی بسیار والا و عالی مرتبه ای به انسان داده که به خاطر همین امتیاز بر تمام موجودات پیشی گرفته است، تمام فرشتگان مقرب بر آدم سجده کردند، تنها ابلیس فرمان الهی را زیرپانهاد و بر آستان آدم سربرخاک نسائید. بنابراین انسان از منظر اسلام آن قدر با اهمیت است که روح الهی در اودمیده شده

- قرضاوی، ص ۱۰۷^{۳۶}

- عثمانی، محمدشفیق. (۱۳۷۷). تفسیر معارف القرآن. ج ۸. مترجم: محمدیوسف حسین پور. ناشر: احمدجام. ص

۳۷. ۲۵۸

- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. ج ۱. ناشر: احمدجام. ص ۳۲۳^{۳۸}

- آل عمران: ۱۹۱۳۹

- سعدی، عبدالرحمن. (۱۳۹۹). تفسیر راستین. ج ۱. مترجم: محمدگل گمشادزهی. ناشر: تهران احسان. ص

۲۹۲^{۴۰}

و مورد احترام خاص ملائکه قرار گرفته است تا آنجا که فرشتگان بر او سجده کردند. این اوج کرامت و عظمت انسان است.^{۴۱}

تکریم انسان بایبان و صحبت کردن : خداوند متعال می فرماید: (الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ)^{۴۲}

ترجمه : خداوند مهربان، قرآن را یاد داد، انسان را بیافرید، به او بیان آموخت .
بخش ابزاری در تشکیل دستگاه ناطقه انسان امر بسیار عجیبی است که عقل ها را حیران و سرگردان کرده است. نعمت بیان در مرحله سوم از سلسله مراحل تکریم آمده است، یعنی بعد از ستایش انسان به وسیله جانشینی در روی زمین و تعلیم و یادگیری آمده است. خداوند متعال می فرماید: (قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ)^{۴۳}

ترجمه : ای آدم آنها را از نام ها و خواص و اسرار این پدیده ها آگاه کن .
آگاهی رسانی جزبه وسیله بیان ممکن نیست، و تمدن انسانی به وسیله بیان شکل می گیرد و توسعه می یابد و انسان آنچه را آموخته است بیان میکند. در دساتیر ارزنده دین اسلام آمده است که بیان سخن حق، صاحب سخن رابه بالاترین درجات تکریم در دنیا و آخرت می رساند.^{۴۴}

بحث و مناقشه :

مناقشه در مورد تکریم انسان در قرآن کریم می تواند از جنبه های مختلفی مطرح شود و شامل دیدگاه های مختلف فکری و دینی باشد. این مباحث معمولاً حول چگونگی تفسیر واژه و مفهوم کرامت، و تأثیر آن بر نگرش های اجتماعی و اخلاقی انسان ها قرار دارد . یکی از مناقشات اصلی بر سر تفسیر واژه «کرامت» در قرآن کریم است . برخی از مفسران به این نکته اشاره دارند که کرامت در قرآن کریم تنها به معنای اعطای ارزش و احترام به انسان است، در حالی که برخی دیگر می گویند کرامت انسان در قرآن، مفهومی فراتر از احترام اجتماعی دارد و به معنای هدایت الهی و قرب الهی است که در نتیجه انجام اعمال صالح به دست می آید. از نظر برخی از مفسران، قرآن کریم هر انسان را دارای کرامت ذاتی می داند، اما در عین حال ممکن است کرامت انسان هادرن نتیجه رفتارهای شخصی و انتخاب های اخلاقی تغییر کند. برخی از افراد ممکن است به دلیل گناه یا فساد از کرامت خود فاصله بگیرند. این نکته میتواند به بحث هایی درباره معیارهای کرامت انسانی در قرآن و تأثیر گناهان و رفتارهای فردی بر آن منجر شود.
نتیجه گیری :

قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت ، در آیات مختلف به کرامت و ارزش والای انسان ها تأکید می کند. این تکریم نه تنها بر اساس ویژگی های فطری و ذاتی انسان، بلکه به دلیل هدف های الهی و دینی که انسان ها برای رسیدن به آن ها خلق شده اند، می باشد. در قرآن کریم، انسان ها به رشد و تعالی

- مکارم، ناصر. (۱۳۸۳). والاترین بندگان . ناشر: قم مدرسه امام علی . ص ۱۷۳ 41

- الرحمن : 42

- بقره : 3343

- الغامدی، عبدالطیف. (۱۳۹۴). حقوق بشر در اسلام. منبع : سایت عقیده . ص ۶۸44

دعوت شده اند واز آنها خواسته شده که بابهره گیری از عقل، آراده، و توانایی های خود، درمسیرشایستگی و اخلاق نیکوگام بردارند. قرآن کریم همچنین بر برابری انسان هاتأکید دارد و تفاوت های نژادی، اجتماعی، واقتصادی را هیچ گونه برتری برای برخی بردیگران نمی داند، بلکه تقوا را معیاری برای ارزیابی انسانها معرفی می کند. درنهایت، تکریم انسان درقرآن کریم نه تنها ازمنظر دین مقدس اسلام بلکه از لحاظ اجتماعی و فرهنگی نیز به عنوان یک اصل بنیادین مطرح می شود که باید در تمام ابعاد زندگی انسان ها رعایت گردد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- الهامی نیا، علی اصغر. (۱۳۷۶ش). تعلیم و تربیت در اسلام. ناشر: قم اداره آموزشهای عقیدتی سیاسی.
- بدخشانی، محمداکرام الدین. (۱۴۰۰ش). تفسیر ازهرالبیان فی التفسیر کلام الرحمن. ج ۹. انتشارات عاصم، کابل افغانستان.
- ۴-دینانی، غلام حسین. (۱۳۸۷ش). حکمت عملی. ناشر: روزنامه اطلاعات.
- ۵-سعدی، عبدالرحمن. (۱۳۹۹ش). تفسیر راستین. ج ۱. مترجم: محمدگل گمشاد زهی. ناشر: تهران احسان.
- ۶-صابونی، محمد علی. (۱۳۸۲ش). صفوة التفاسیر. ج ۲. مترجم: محمد طاهر حسینی. ناشر: تهران احسان.
- ۷-صابونی، محمد علی. (۱۳۸۲ش). صفوة التفاسیر. ج ۴. مترجم: محمد طاهر حسینی. ناشر: تهران احسان.
- ۸- عمید، حسن. (۱۳۶۹ش). فرهنگ عمید. تهران مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۹- عثمانی دیوبندی، محمدشفیع. (۱۳۷۷ش). تفسیر معارف القرآن. ج ۸. مترجم: محمدیوسف حسین پور. ناشر: احمدجام.
- ۱۰- عثمانی دیوبندی، محمدشفیع. (۱۳۷۷ش). تفسیر معارف القرآن. ج ۱. مترجم: محمدیوسف حسین پور. ناشر: احمدجام.
- ۱۱- عثمانی دیوبندی، محمدشفیع. (۱۳۷۷ش). تفسیر معارف القرآن. ج ۱۰. مترجم: محمدیوسف حسین پور. ناشر: احمدجام.
- ۱۲- غامدی، عبدالطیف. (۱۳۹۴ش). حقوق بشر در اسلام. منبع: سایت کتابخانه عقیده.
- ۱۳- قیوم، عبدالنبی. (۱۳۸۸ش). فرهنگ معاصر عربی-فارسی. تهران مؤسسه فرهنگ معاصر.

- ۱۴- قطب، محمد. (۱۳۷۹ش). عدالت اجتماعی در اسلام. مترجم: محمد علی گرامی. نشر: تهران مؤسسه سوره .
- ۱۵- قطب، سید. (۱۳۹۷ش). فی الضلال القرآن . ج ۴ . مترجم: مصطفی خرم دل. ناشر: تهران احسان .
- ۱۶- القرنی، عایض . (۱۳۹۶ش). تفسیرالمیسر . مترجم: عبدالروف مخلص . منبع: کتابخانه قلم .
- ۱۷- قرضاوی، یوسف. (۱۳۹۴). نقش ایمان در زندگی. مترجم: فرزانه غفاری. ناشر: تهران ، احسان .
- ۱۸- قرضاوی، یوسف. (۱۳۹۴ش). ویژگیهای کلی اسلام . مترجم: جلیل بهرامی نیا. دانلود کتابخانه عقیده.
- ۱۹- قرضاوی، یوسف. (۱۴۰۲ش). قرآن منشور زندگی . مترجم: عبدالعزیز سلیمی . ناشر: تهران ، احسان .
- ۲۰- قرضاوی، یوسف . (۱۳۸۱). جایگاه انسان و فلسفه آفرینش . مترجم: عمر قادری . ناشر: تهران ، قادری .
- ۲۱- مطهری، مرتضی . (۱۴۰۲ش). انسان در قرآن . ناشر: تهران ، صدرا.
- ۲۲- مطهری، مرتضی . (۱۴۰۲ش). انسان و ایمان . ناشر: تهران ، صدر ا.
- ۲۳- مشایخی راد، شهاب الدین. (۱۳۸۸ش). کرامت انسانی از دیدگاه خاتم پیامبران . ناشر: قم مؤسسه طه .
- ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۳ش). والا ترین بندگان . ناشر: قم مدرسه امام علی
- ۲۵- مکارم شیرازی ، ناصر. (۱۳۷۷ش). اخلاق در قرآن . ج ۱. ناشر: قم مدرسه امام علی
- ۲۶- ملازهی ، محمد عمر. (۱۳۸۴ش). تفسیر تبیین الفرقان . ج ۱۶. ناشر: شیخ الاسلام احمد جام .
- ۲۷- نعمانی ، محمد منظور. (۱۳۹۴). معارف الحدیث . ج ۲. منبع: کتابخانه اقرار.
- ۲۸- نووی ، ابو ذکریا. (۱۳۹۴ش). شرح ریاض الصالحین . ج ۱ . مترجم: ابراهیم کیانی . منبع سایت عقیده .

